

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Investigating the Causes of Transformation in Elementary Elements of
the Early 10th Century from the Perspective of Mythology
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی علل دگرگونی در عناصر معراج‌نگاری اوایل قرن دهم هجری از منظر اسطوره‌سنجی

ندا وکیلی*

استادیار، گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲

چکیده

بیان مسئله: از ابتدای قرن دهم هجری قمری (شانزدهم میلادی)، بسترهای مختلفی در تحول معراج‌نگاری‌ها دخیل بوده که با تدوین نسخ خطی مصوری همچون خمسه نظامی، فال‌نامه شاه‌طهماسبی و قصص‌الانبیاء آغاز شده است. از جمله این دگرگونی‌ها، پوشاندن چهره پیامبر(ص) با پارچه‌ای سفید به نام «برقع» است. که به نظر می‌رسد این تغییرات به نوعی حاصل تأمل و قرائت علما، اندیشمندان و حاکمان صفویه در مورد معراج است. این پژوهش با خوانشی جدید سعی دارد به این سؤال پژوهش پاسخ دهد که چگونه می‌توان براساس نظرات اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران به بررسی عواملی غیر از نظرات اندیشمندان، علما و حاکمان صفویه مبنی بر رواج تعالیم شیعه در متن معراج‌نگاری‌ها و دگرگونی عناصر تجسمی در نگاره‌ها به صورت رمزی پرداخت؟ که مسئله پژوهش نیز به حساب می‌آید. برای این منظور به نگاره‌هایی با موضوع نبرد، شکار و جلوس (در مکتب تبریز اول) نیز پرداخته می‌شود. مراحل کار با این رویکرد به نقل از ژیلبر دوران، ۱- نمادسنجی ۲- روان‌سنجی و ۳- اسطوره‌سنجی است. فرضیه پژوهش این نکته است که نسخه‌های مصور و نگاره‌های معراج در کارگاه‌های سلطنتی صفویه بنابر عادت مرسوم به دستور سلاطین و حکمرانان ایجاد می‌شده بنابراین دور از ذهن نیست که بیشتر اسطوره‌هایی که حاکمان و سلاطین به آن‌ها توجه می‌کنند در نسخ مصور انعکاس داده شده است.

هدف پژوهش: هدف اصلی این پژوهش بررسی علل دگرگونی در پوشاندن چهره پیامبر(ص) با برقع در نگاره‌های معراج (اوایل قرن دهم ه.ق) است.

روش پژوهش: این پژوهش بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی نگاره‌ها و رویکرد اسطوره‌سنجی نزد ژیلبر دوران صورت می‌گیرد و جمع‌آوری مطالب نیز به روش کتابخانه‌ای است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش براساس رویکرد اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران و فرضیه پژوهش نشان‌دهنده این مطلب است که اسطوره شخصی و جمعی شاه اسماعیل نمایانگر اسطوره شهریار، اسطوره خودمرکزی و منجی عالم است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: معراج‌نگاری، دوره صفویه، شاه اسماعیل، اسطوره‌سنجی، ژیلبر دوران.

مقدمه

آسمان در زمانی که پیامبر(ص) به آسمان صعود می‌کند. در نگاره مخزن‌الاسرار نظامی (۹۱۱ ه.ق)، افزودن تصویر شیر در آسمان، تقدیم انگشتی به شیر، ظهور دستاری جدید بر سر افراد با عنوان تاج حیدری تجلی پیدا می‌کند (جوانی، ۱۳۹۶). این عوامل که حاصل تأویل علما، اندیشمندان و حاکمان صفوی مبنی بر رواج تعالیم شیعه است در متن معراج‌نگاری به صورت رمزی نمایان شده است و در تقابل با تفاسیر و تصاویر دوران قبل قرار می‌گیرد (همان، ۸۱). پس از انتقال کمال‌الدین بهزاد و شاگردانش از هرات به تبریز به دستور شاه

در دوره‌های قبل از صفویه، دوره ایلخانی و دوره تیموری همه تصاویر پیامبر(ص) در سفر معراج بدون نقاب و با وضوح و جزئیات چهره، مصور می‌شد که برای تأکید در تقدس ایشان هاله‌ای گرد یا هاله از آتش در اطراف سر ایشان کشیده می‌شد. در دوران صفویه، چهره پیامبر(ص) با پوشش برقع (پوشینه) مصور گردید که البته از دیگر ابتکارات و نوآوری‌های هنرمندان در دوره صفویه در رابطه با عناصر معراج، پاره کردن

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۹۴۸۰۶۱ n.vakili@uk.ac.ir

اسماعیل اول^۱ پرورش نسلی تازه از هنرمندان در مکتبی جدید با پشتوانه دستاورد کارگاه‌های درباری تیموریان و ترکمنان شکل گرفت که در آن چندین نسخهٔ ارزنده مصور شد. طبق فرمان شاه به هنرمندان تکلیف شده بود تا علاوه بر نشان دادن زندگی جسمانی شاه و درباریان، ذات و ماهیت وجود را نیز نشان دهند (Savory, 1961). از آنجاکه برای توسعهٔ هنرهای تجسمی براساس فرمان شاه اسماعیل اول (۹۲۸ ه.ق) انتصاب ریاست کتابخانه در برنامه‌های دولت بوده، می‌توان احتمال داد که دربارهٔ ترکیب‌بندی عناصر تجسمی، محتوایی نگاره‌ها با حاکمان و حامیان همواره مذاکره شده است و بر این اساس می‌توان فرض کرد اسطورهٔ شخصی این حاکمان در نگاره‌ها تجلی یافته باشد، به‌ویژه نگاره‌های معراج و دوران حکومت شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب اول. از این رو با تکیه بر فرضیهٔ مذکور و آرای ژیلبر دوران^۲، اسطوره‌شناس فرانسوی باهدف بررسی استعاره‌های تصویری موجود در معراج‌نگاری‌های اوایل دوران صفوی و علت تغییر در عناصر تصویری معراج به‌ویژه در چهرهٔ پیامبر(ص) به بررسی نگاره‌ها و خوانشی جدید از علل ظهور این تغییرات می‌پردازیم. از دیدگاه ژیلبر دوران، بین همهٔ آثار تألیفی یک نویسنده رابطه‌ای وجود دارد که با بررسی آن‌ها می‌توان به اسطورهٔ شخصی ذهن پدیدآورندهٔ اثر (در اینجا حامی و سفارش‌دهندهٔ نگاره‌های شاه اسماعیل) دست یافت. از طرفی پژوهشگران معتقدند، موقعیت انتزاعی شخصیت‌های ادبی، بهانه‌ای برای مصور کردن بخش‌هایی از زندگی سفارش‌دهندگان نسخه‌های خطی بوده است. (شاه و دربارش)، صحنه‌های جلوس بر تخت، شکار، تیراندازی و... از آن جمله است (Nazarli, 2012). برای این منظور علاوه بر نگاره‌هایی با موضوع معراج، نگاره‌هایی با موضوع نبرد، شکار و جلوس که در مکتب تبریز و اوایل قرن دهم هجری به وجود آمده‌اند پرداخته می‌شود. از جمله نسخه‌های دارای مضامین معراج، خمسهٔ نظامی (مخزن‌الاسرار) ۹۱۰ ه.ق، هفت‌پیکر نظامی (خمسه شاه‌تهماسبی) نیمهٔ قرن دهم و از نسخه‌های مصور دارای نگاره‌های نبرد «نبرد اسکندر با دارا»، برگی از نسخهٔ خطی شاهنامهٔ فردوسی تبریز (۹۳۱ ه.ق)، «دربار کیومرث»، برگی از شاهنامهٔ فردوسی (شاهنامهٔ شاه‌تهماسب) ۹۲۶-۹۴۶ ه.ق و رستم و کیکاووس و برگی از نسخهٔ شاهنامهٔ فردوسی تبریز (۹۳۰ ه.ق) است تا با بررسی تکرارهای نمادین در متن این نگاره‌ها و نیز فرامتن براساس روش و نظریهٔ ژیلبر دوران، به اسطورهٔ شخصی هنرمند (حامی و سفارش‌دهنده) و سپس اسطورهٔ جمعی جامعهٔ زیستی‌اش دست یافت.

پیشینهٔ پژوهش

در حوزهٔ اسطوره‌سنجی و روش‌شناسی، ژیلبر دوران در کتابش باعناوین «ساختارهای انسان‌شناسی تخیل»

روش پژوهش

روش استفاده‌شده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است تا بر مبنای آن به خوانشی متفاوت از نگاره‌های معراج اوایل قرن دهم هجری از منظر اسطوره‌سنجی پرداخته شود.

مبانی نظری

اسطوره‌سنجی در زبان فارسی برگردانی است برای واژهٔ میتوکریتیک^۳ و از نظر معنایی به یکی از انواع مطالعه و نقد اسطوره‌ای در مقطعی خاص از فرایند نقادی در قرن بیستم اطلاق می‌شود که نخستین بار در سال ۱۹۷۲ توسط ژیلبر دوران به کار برده شد. به گفتهٔ خود دوران، ابداع این واژه به تأسی از واژهٔ روان‌سنجی^۴ شارل مورون بوده است. روان‌سنجی مورون بر این نظریه بنا شده است که آثار هر مؤلفی دارای هماهنگی و انسجام ویژه‌ای است، این انسجام به این دلیل است که ضمیر ناخودآگاه مؤلف دارای یک چهرهٔ فراگیری است که اسطورهٔ شخصی مؤلف را بازتاب می‌کند و می‌توان با کشف این اسطورهٔ شخصی و تبیین ویژگی‌های بنیادین آن ضمن نقد آثار مؤلف، به روان‌کاوی ضمیر ناخودآگاه او نیز توانا شویم (نامورمطلق، ۱۳۹۲).^۵ هدف اصلی اسطوره‌سنجی، مطالعهٔ اسطوره و درنهایت به واسطهٔ آن ضمیر ناخودآگاه جمعی است که در متن یک مؤلف تبلور می‌یابد. در واقع ژیلبر دوران با ابداع این روش قصد داشت تا با شناسایی کوچک‌ترین واحدهای معنا دار در یک اثر و بررسی روابط آن‌ها با یکدیگر به ساختاری طبیعی از اسطوره‌های کلان در آن اثر دست یابد که محتوای آن می‌توانست بن‌مایه یا مضمون کلی آن اثر را

داشت مربوط به مکاتب دیگر، همچون مکتب بخارا که در تصرف سلاطین شیبانی ازبک و ادامه مکتب تیموری به‌ویژه سبک بهزاد است (شین‌دشتگل، ۱۳۸۹) (تصاویر ۲ و ۳). از نمادهای توصیفی به‌کاررفته در این نگاره براساس روایات مختلف معراج، آسمان، آتش، براق، اسب‌سوار و ابر است. آنچه در این نگاره به‌شکل عنصر جدید بصری ظاهر می‌شود و در روایات مختلف معراج اشاره‌ای به آن نشده، وجود روزنه یا شکافی در آسمان است. همچنین وجود ابرهای پیچان در

دربرگیرد. به‌طور کلی اساس این روش را می‌توان به سه مرحله ۱- نماد شناسی، ۲- روان‌سنجی و ۳- اسطوره‌سنجی تفکیک کرد که خود دوران در این زمینه در مقاله سفر و اطاق در آثار خاویز دو مستر^۶ می‌نویسد: «در بخش نخست به توصیف سبک‌شناسانه و تفصیلی بخش‌های نمادین (خرده‌اسطوره‌ها و متعلقات آن‌ها) در فرایند صور هر اثر بسنده می‌شود. در بخش دوم با دنبال کردن روش شارل مورون بازتاب‌های روان‌سنجی این نمادها را در زندگی‌نامه، خودسرنوشت‌نامه و نامه‌های مؤلف، سازمان‌دهی می‌شود و سرانجام در بخش سوم عنوان می‌شود که روان‌سنجی گستره بالایی می‌طلبد که متن اثر را به‌عنوان جهان تشکیل‌دهنده ارزش‌های نورانی بازیابی کند تا آن نیز به نوبه خود با بنانهادن یک اسطوره‌سنجی امکان انجام اسطوره‌شناسی‌های بزرگ‌تر را فراهم کند» (همان). اسطوره‌سنجی را می‌توان شبیه‌به‌نوعی ساختارگرایی باز در مقابل ساختارگرایی بسته یا کلاسیک دانست زیرا متن‌های هنری و بافت‌های اجتماعی را هم‌زمان بررسی می‌کند و دامنه آن به‌مراتب گسترده‌تر و متنوع‌تر از متن هنری است.

بحث

• معرفی تصاویر و بررسی نمادشناسانه آن (اولین مرحله از روش اسطوره‌سنجی دوران)

در اولین مرحله از اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران به توصیف بخش‌های نمادین، شخصیت‌ها و کهن‌الگوها در متن نگاره‌های انتخابی می‌پردازیم. از آنجاکه براساس نظرات روان‌سنجی شارل مورون، ضمیر ناخودآگاه مؤلف (در اینجا حامی و سفارش‌دهنده آثار هنری یعنی شاه اسماعیل) دارای یک چهره فراگیر است که اسطوره شخصی مؤلف را بازنمایی می‌کند در نتیجه آثار مختلف مؤلف از یک هماهنگی و انسجامی برخوردار است که با بررسی آن‌ها می‌توان به کشف اسطوره شخصی و تبیین ویژگی‌های بنیادین آن توانا شویم. در نتیجه در این مرحله علاوه بر بررسی نگاره‌های معراج در اوایل قرن دهم به دیگر نگاره‌ها در نسخ و متون سفارشی از سوی حکمرانان صفوی به‌ویژه شاه اسماعیل پرداخته می‌شود.

برگه آغازین مخزن‌الاسرار از خمسه نظامی (اوایل قرن ۱۰ ه.ق) که در روزگار شاه اسماعیل اول با بهره‌گیری از مکتب ترکمن مصور شده است^۷ پیامبر(ص) را احاطه‌شده با بیش از ۶۰ فرشته به‌نمایش می‌گذارد که به‌سوی روزنه‌ای در آسمان حرکت می‌کند. چهره پیامبر(ص) ریش‌دار و محوشده، رو به عقب در حال تماشای فرشتگان است (تصویر ۱). بخش پائینی نگاره، طرح ساده‌ای از خانه خدا، مناره‌ها و گنبدها را نشان می‌دهد. فضای بیرونی نخل‌ها، بیانگر روز برخلاف فضای داخل نگاره که شب است. در ادامه مجلس‌نگاری معراج پیامبر(ص) در اوایل قرن دهم، همواره چهره پیامبر(ص) با برقع پوشیده می‌شد و اگر نگاره‌ای با چهره مشخص از پیامبر(ص) وجود



تصویر ۱. نگاره معراج حضرت محمد (ص)، خمسه نظامی، (۹۴۹-۹۴۶ ه.ق)، تبریز، موزه بریتانیا. مأخذ: www.bl.uk.



تصویر ۲. نگاره معراج حضرت محمد (ص)، مخزن‌الاسرار نظامی، (۹۱۰ ه.ق)، تبریز، مکتب ترکمانان، موزه کی بر لندن. مأخذ: www.collections.dma.org.



تصویر ۳. بخش‌هایی از نگاره تصاویر ۱ و ۲ مأخذ: www.collections.dma.org; www.bl.uk



تصویر ۴. نگاره نبرد اسکندر با دارا (بخشی از نگاره) برگی از نسخه خطی خمسه (کوئینتت) نظامی گنجه، (۹۳۱ هـ ق)، موزه متروپولیتن. مأخذ: www.metmuseum.org

آمده است. بنابر تفسیر عرفانی، ابرها پرده نازکی هستند که دوطبقه عالم را از هم جدا می‌کند (همان).

آتش: تقدس و اهمیت آتش در فلسفه اشراق و تصوف عبارت است از نورالانوار که عبارت از ذات حق تعالی است که برخی از عرفا از آن به نور احمدی و گاه نور احد تعبیر کرده‌اند (یاحقی، ۱۳۷۵). پیروان آیین دائو وارد آتش می‌شوند تا خود را از قیود بشری رهایی بخشند. این الوهیت یافتن شبیه به الوهیت یافتن ایلیا بر ارباب آتش است^۸. این جاودانگان قادرند در آتش وارد شوند بدون آنکه بسوزند و آن را باران یا رحمت الهی می‌خوانند که در علم کیمیای غربی یادآور آتشی است که نمی‌سوزاند و وضو یا تطهیر کیمیایی خوانده می‌شود (Chevalier & Graber, 1999).

اسب‌سوار: که نماد پیروزی و شوکت است. سوار همان‌گونه که بر مرکب خود مسلط است بر نیروی دشمن نیز غالب است. اسب‌سوار به بهشت صعود کرده و این صعود را به خدایان، قهرمانان و خاصان نشان می‌دهد. همچون تصویر پیامبر (ص)

سراسر نگاره که در محل قرارگیری پیامبر (ص)، یعنی مرکز نگاره به شکل هاله‌ای آتشین پیامبر (ص) را دربر گرفته است. پیامبر (ص) در این نگاره بدون جزئیات چهره است.

روزنه یا شکافی در آسمان، در مراحل معراج آئین شمنی می‌توان از طریق شکافی در آسمان پنجم از عالمی به عالم دیگر عبور کرد. تمامی جهان‌ها به وسیله شکاف‌هایی نزدیک ستاره قطبی به یکدیگر متصل می‌شوند. شمن‌ها و ارواح از این روزنه برای عبور از عالمی به عالم دیگر استفاده می‌کنند. قهرمانان افسانه‌های مختلف سوار بر اسب یا عقاب، یا پرنده طوفان از این شکاف‌ها عبور می‌کنند (Chevalier & Graber, 1999).

ابر: ابر را وسیله به جامه درآمدن خداوند و مظهریت نیز دانسته‌اند. در عرفان اسلامی ابر (العماء) مرحله ماهوی و غیرقابل شناخت از الله قبل از ظهور است. تأکید بر وجود ابرآلودگی در خود ظهور و در زندگی معمول، مفهومی بسیار مأنوس دارد. قرآن کریم، مظهریت الله را به صورت سایه یک ابر ذکر می‌کند و نه به صورت پدر ازلی که در تمثیلات متقدمان

از اسلام شکل گرفته بود به صورت دگرگون شده به آثار ادبی محبوبی چون شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، خمسه نوایی و ... راه یافت. هرچه گذشت، قهرمان ادبی بیشتر مانند قهرمان تاریخی پذیرفته شد و دقیقاً این فاصله گرفتن از اسکندر مقدونی اساطیری، راه را برای بخشیدن صفات ضروری به این قهرمان باز کرد و اسکندر در مقام بنیان گذار امپراتوری، فرمانروای خردمند، مبارز راه عقیده، فیلسوف، دلاور جنگ و هنرپرور، پا به عرصه گذاشت که به نظر می رسد همه این خصوصیات برای شاه اسماعیل اول قابل استفاده است (Nazarli, 2012). در تصویر ۴ اسماعیل - اسکندر در گوشه سمت راست بالای تصویر ایستاده و احتمالاً درباره شیوه نبرد صحبت می کند یا به سپاهیان فرمان می دهد.

تصویر ۵، نگاره‌ای از شاهنامه فردوسی (۹۳۰ ه.ق) که صحنه «رسیدن رستم به حضور کیکاووس» را نشان می دهد می تواند از دیگر نمونه های اسماعیل - اسکندر و اسماعیل - کیکاووس نامیده شود. در این نگاره، رستم و کیکاووس چهره های یکسانی دارند و آرایه های کلاهشان نیز شبیه به هم است. رستم پهلوان افسانه ای و کیکاووس پادشاه افسانه ای است که در این نگاره هر دو در یک زمان بروز کرده اند و این نشان می دهد شاه اسماعیل در آن زمان در آن حد مهم بوده است که به شکل فرمانروایان بزرگ مجسم شده است.

از کهن الگوهای به کاررفته در تصاویر ۲ و ۴ کهن الگوی قهرمان است که بیشتر در شخصیت های اسطوره ای و نمادین اسکندر، رستم و کیکاووس متجلی شده است. در تصویر ۶ نگاره دربار کیومرث از شاهنامه بزرگ شاه تهماسب

سوار بر براق که در این حالت اسب سوار می تواند مفهومی معنوی پیدا کند، مفهومی چون محقق شدن مقدس و نیل به کمال. از کهن الگوهای به کاررفته در این نگاره سفر، عروج و قهرمان است.

تصویر ۱ نگاره معراج پیامبر (ص) در نسخه خمسه نظامی (۹۴۶ - ۹۴۹ ه.ق) را نشان می دهد. در این نگاره حضرت محمد (ص)، در تمایز با فرشته ها و جبرئیل، با کلاه قزلباش و صورت پوشیده تصویر شده است. ۱۹ فرشته با هدایایی در دست، ایشان را در سفر به معراج همراهی می کنند. از ویژگی های این نگاره پوشیده شدن چهره پیامبر (ص) با پوشینه است. نمادهای توصیفی تصویر ۲ در این تصویر نیز مانند یک الگو تکرار شده است. نمادهایی همچون، آسمان، ابر، آتش، اسب سوار، براق و ... همچنین پیامبر (ص) به صورت الگویی تکرارشونده در دوره های بعدی در مرکز نگاره مصور شده است (تصویر ۳).

تصویر ۴ نگاره نبرد دارا و اسکندر است^۹ که با تجزیه و تحلیل این نگاره می توان پیش نمونه ادبی اسکندر را در رابطه با شخصیت شاه اسماعیل عنوان کرد و نمونه اسماعیل - اسکندر امید. به گفته نظامی، پادشاه ایران (دارا) طبق نامه ای، اسکندر را طفلی ناپخته می داند که می خواهد با او بجنگد. در مقابل آن نامه، اسکندر خود را از نسل پیامبران دانسته و به براندازی آتشکده ها سوگند می خورد. سرانجام میانشان جنگی درمی گیرد (نظامی، ۱۳۸۰، ۷۸-۱۰۶).

به نظر می رسد از شخصیت های اسطوره ای موجود در این نگاره، اسکندر است. شخصیت اسکندر که در زمان پیش



تصویر ۵. نگاره رستم در حضور کیکاووس (بخشی از نگاره) برگه از نسخه شاهنامه فردوسی، تبریز، fol. 146r، (۹۳۰ ه.ق)، موزه متروپولیتن. مأخذ: www.metmuseum.org



تصویر ۶. دربار کیومرث، سلطان محمد، برگي از نسخه خطی شاهنامه فردوسی، تبریز (۹۳۲-۹۳۱ ه. ق). مأخذ: www.agakhanmuseum.org

سرگرم تأسیس کارگاه نقاشی شد^{۱۲}. اشعار اسماعیل ختایی که شامل اخبار زندگی شاعر، خودنمایی‌ها و برنامه‌های سیاسی او بود، بهترین راه تبلیغاتی برای رسیدن به حکومت بود^{۱۳}. شاه اسماعیل در اشعارش بارها به اسکندر اشاره کرده است.

من خضر زنده و عیسی بن مریم / اسکندر زمانه مردان عالم
من فریدونم، خسروم، جمشیدم / من ضحاکم، پور زالم، اسکندر^{۱۴}

(Minorsky, 1942)

اسماعیل اول می‌دانسته که تقلید از اسکندر او را در ردیف شاهان افسانه‌ای قرار می‌دهد. شاه اسماعیل اغلب در اشعارش خود را رستم می‌نامید. اگر اسماعیل اول خودش را اسکندر، رستم و کیومرث معرفی می‌کرد، همه اطرافیان باید مفهوم حقیقی آن را درک می‌کردند و هنرمند نقاش هم باید با نگاره‌های خود آن را تأیید می‌کرد. همچنین براساس نظریه «نور محمدی» که شاه اسماعیل همواره از آن حمایت می‌کرد و به تبلیغ آن می‌پرداخت مبنی بر این که روح حضرت محمد (ص) در هر یک از امامان و شاه اسماعیل حلول کرده، در ابیاتش این‌گونه آورده که:

او نور محمد است، که خود را به جهان نشان داده، تاج نور
بر سر نهاده، نامش اسماعیل است.

یا

«نخستین کسی که به جنات بهشتی قدم نهاد، من بودم»

(Nazarli, 2012; Minorsky, 1942)

به این ترتیب شاه اسماعیل در اشعارش علاوه بر آنکه خود را نماینده امام غایب معرفی می‌کرد، متعاقب نظریه نور محمدی

اول (۹۴۶-۹۲۶ ه. ق)، نمونه اسماعیل-کیومرث نمایان است. کیومرث در افسانه‌ها اولین شاه ایران است. او نظم را در زمین برقرار کرد و به مردم درست‌کردن غذا و دوختن را آموخت. اسماعیل اولین شاه صفوی، نظم را در حکومت برقرار کرد.

کهن‌الگوی به‌کاررفته در تصویر ۶، کهن‌الگوی نخستین انسان است که در شخصیت نمادین کیومرث متجلی شده است.

• روان‌سنجی

دومین مرحله اسطوره‌سنجی دوران، روان‌سنجی است که براساس روش شارل مورون انجام می‌شود. در این مرحله علاوه بر بررسی مضامین پرتکرار در متون، فرامتن نیز مطالعه می‌شود. برای انجام دادن این کار دو موضوع اهمیت دارد، یکی زندگی‌نامه، خودسرنوشت‌نامه مؤلف (در اینجا حامی و سفارش‌دهنده یعنی شاه اسماعیل اول) و دیگری محیط اجتماعی که مؤلف در آن زاده و بزرگ شده است.

- بررسی خودسرنوشت‌نامه

پژوهشگران، پیشرفت مکتب نقاشی دربار صفویه را به شخصیت احساسی اسماعیل اول ربط می‌دهند که دلیل اصلی این ادعا آن است که او در جوانی با تخلص «ختایی»^{۱۰} شعر می‌سرود و شعرهای او که سرشار از عرفان تشیع، حروفیه و تصوف بود، برای طرفدارانش که از دعوی سلطنت او پیروی می‌کردند، ارسال می‌شد و حکم برکه‌های تبلیغاتی را داشت^{۱۱}. اسماعیل پس از به حکومت رسیدن، دست از شعر کشید و پس از مدتی

مدعی بود که می‌داند عمل آفرینش نخست چگونه صورت گرفته است.

«آنکه آسمان و زمین را آفرید و دریای بی‌کران را گسترده من بودم». او در مقام انسان کامل ادعای شرکت در عمل آفرینش داشت و مسلماً با همین مقام در نظر شیعیان صوفی ظاهر می‌شد. شاه اسماعیل پس از آنکه خود را نماینده امام غائب اعلام کرد، اغلب صورتش را با نقاب می‌پوشاند (همان، ۷۵). او بارها ادعا کرده بود که به ملاقات مهدی موعود صاحب‌الزمان (عج) دست‌یافته و از طرف ایشان مأموریت ترویج مذهب تشیع دوازده‌امامی را دارد (یوسف جمالی، ۱۳۷۲). اشعار شاه اسماعیل که نشان‌دهنده تلفیق اندیشه‌های تشیع و تصوف بود، به او امکان می‌داد ادعاهای مذهبی خود را با آن‌ها بیان کند (Schimmel, 1974, 111).

- شرایط اجتماعی

اسماعیل، ملقب به ابوالمظفر بهادر خان حسینی، معروف به شاه اسماعیل، مؤسس سلسله صفوی، در اردبیل دیده به جهان گشود. پدرش حیدر در جنگ با شیروان شاه در قفقاز به اسارت درآمد و جان باخت. پس از او فرزندان او به اسارت درآمدند. در این زمان اسماعیل کودکی شیرخوار بود که همراه مادر و دو برادرش به مدت چهارسال در استخر فارس زندانی شدند. پس از آزادی، اسماعیل مدتی پنهانی در اردبیل زیست و سپس برای امنیت بیشتر به لاهیجان و نزد امیر «کارکیان میرزا» پناه گرفت. کارکیان میرزاعلی، فرمانروای محلی لاهیجان و دیلمان که شیعه، سید و دوست‌دار خاندان صفویه بود در تربیت اسماعیل خردسال اهتمام کرد. اسماعیل تا سال (۹۰۵ ه.ق) با مراقبت‌های شمس‌الدین لاهیجی، فارسی، عربی، قرآن و مبانی اصول شیعه امامیه را فراگرفت (Romulo, 1970) و زیر نظر چندین تن از بزرگان لاهیجان فنون رزمی آموخت. بدین‌سان اسماعیل از یک‌سو تحت‌تأثیر فرهنگ صوفیانه خانقاه شیخ صفی بود و از سوی دیگر در گیلان با برخی آموزه‌های ایران باستان و تشیع امامی آشنا شده و مجموعه این آموزه‌ها او را برای بدل‌شدن به یک حاکم مقتدی و فرمانده نظامی و پیشوای مذهبی آماده کرد (مضطر، ۱۳۶۴). داستان نخستین سال‌های زندگی اسماعیل و از دست‌دادن پدر، اسارت، سال‌ها سرگردانی و درنهایت در سن ۱۲ سالگی به خون‌خواهی پدر برخاستن به‌علاوه دل‌آوری‌ها و کامیابی‌ها، او را به قهرمانان اساطیری و افسانه‌های حماسی بیشتر شبیه می‌کند. روایت است که شاه اسماعیل سخت به مقام پیامبر (ص) و مولی علی (ع) و امام حسین (ع) احترام می‌گذاشت و در ایام محرم به قاریان قرآن و مداحان اهل‌بیت و تعزیه‌خوان‌ها دستور می‌داد تا به عزاداری شاه شهیدان کربلا بپردازند (Romulo, 1970). از طرفی شاه اسماعیل ادعا کرده بود که او تنها نماینده به‌حق حضرت علی (ع) و امام دوازدهم شیعیان است و راهنمایی آن‌ها

در طول حکومتش راه‌گشای معضلات اجتماعی، سیاسی، مذهبی مردم بوده است. به‌طور قطع و یقین ختایی (اشاره به دیوان شعر شاه اسماعیل اول دارد) طبیعتی الهی دارد و او (اشاره به شاه اسماعیل اول و تبار او دارد) منصوب به محمد مصطفی (ص) است (Minorsky, 1942). تاریخ‌نویسان دوره شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب اول نیز تبلیغ می‌کردند که او و فرزندش همان صاحب‌الزمان (ع) بوده‌اند^{۱۵} که گاهی این‌گونه وقایع‌نگاری از سوی مورخان باهدف خریدن دوستی پادشاه یا نیل به مال و جاه صورت می‌گرفته است. مردم عصر شاه اسماعیل به‌شدت از واقعیت‌های اجتماعی-اسلامی دور شده بودند. به‌حدی که شاه اسماعیل اول را مظهر خدا روی زمین می‌دانستند و گفته‌هایش را گفتار خداگونه قلمداد کرده، هر دستوری را که صادر می‌کرد بی‌چون‌وچرا اطاعت می‌کردند (یوسف جمالی، ۱۳۸۷). به‌نظر می‌رسد رهنمودهای دینی-فلسفی یکی از شاخه‌های تصوف به نام حروفیه، تأثیر فراوانی در ایدئولوژی صفویه داشته است. به‌ویژه در اوایل آن دوره که این جریان بسیار محبوب شاه اسماعیل بوده و اشعار خود را که به ختایی تخلص می‌کرده، براساس این دیدگاه سروده است (Kuli-zade, 1970). حروفیه در تلفیق با تشیع، تصوف، «نظریه انوار» سهروردی و ایدئولوژی قزلباش، جهان‌بینی صفویه را پایه‌گذاری کرده و در دوره‌های بعد و مکتب اصفهان، با نمایندگان برجسته‌ای چون میرداماد و ملاصدرا به تکامل رسیده است. در فلسفه حروفیه اندیشه «خلق جدید» که به‌وسیله فیلسوفان و عالمان دینی همچون ابن عربی، عبدالرحمن جامی و دیگران گسترش یافته بود، با شدت بیشتری مطرح شد و گمان می‌رود که افراط در این تفکر به حروفی‌ها و (ازجمله شاه اسماعیل ختایی) اجازه می‌داد به‌دنبال حلاج عبارت معروف «انا الحق» را تکرار کند زیرا از این منظر هر رویدادی، خصوصاً در پیوند با شاه که جانشین خدا بر زمین بود و قدرت مشارکت مستقیم در رویدادهای الهی را داشت، مهم می‌شود (Nazarli, 2012). علاقه اولین پادشاهان صفویه به نسخه‌نگاری در کارگاه‌های سلطنتی در ده‌سال آخر حکومت شاه اسماعیل و ۱۵ سال اول حکومت شاه تهماسب اول بروز کرد. در آخرین دهه حکومت شاه اسماعیل اول با شکست در جنگ چالدران در سال ۹۲۰ ه.ق، اعتبار او لطمه شدیدی خورد. پس از شکست خوردن اسطوره، شکست‌ناپذیری او در جنگ چالدران، باور عمیق و متعصبانه قزلباش‌ها به پادشاه خود، به‌مثابه شخصیت الهی آسیب دید. به همین دلیل شاه اسماعیل بیشتر وقت خود را در شکار یا در جمع جوانان سرخ‌گونه، با خالی کردن جام شراب ارغوانی و گوش‌دادن به موسیقی و ترانه می‌گذراند (یوسف جمالی، ۱۳۸۷). به این ترتیب می‌توان گفت دوستی و معاشرت با هنرمندان، اشتغال به نقاشی و خطاطی و بررسی و تماشای آنان برای پادشاهان

مردم، مبنی بر این که ائمه اطهار توجه خاص به شاه اسماعیل داشتند و دستوراتش جنبه تقدسی دارد او را نماینده خدا (بلکه خدای روی زمین) می دانستند^{۱۶} (یوسف جمالی، ۱۳۸۷).

از جمله مهم ترین نتایج اسطوره خودمرکزی در این پژوهش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

نخستین گرای: مطابق این اسطوره، خود را «نخستین/پیش قدم» در هر چیزی می دانند. همان طور که در نگاره های «بارگاه کیومرث» از این دوره مشاهده شد، به نظر می رسد شاه اسماعیل خود را برابر با کیومرث، اولین پادشاه افسانه ای ایران می داند. کیومرث در اساطیر، اولین بشر است و در شاهنامه و تواریخ مبتنی بر آن برخلاف روایات و اساطیر مذهبی، نخستین شاه است (یا حقی، ۱۳۷۵).

افزایش سلطه گری: در نتیجه اسطوره خودمرکزی، آن هایی که احساس می کنند بیشترین قدرت سیاسی، اقتصادی و احیاناً نظامی را دارند، به افزایش سلطه گری و مرزهای قدرت و سلطه خود می اندیشند. شاه اسماعیل با زنده کردن هویت ایرانی، مرزهای ایران را به حدود مرزهای ساسانی رساند و ایران را به عنوان یک واحد سیاسی مستقل، تأسیس و تثبیت کرد. او اکثر اوقاتش را در میدان های جنگی صرف می کرد. مورخان معاصر و اواخر عصر او و خاندان صفوی، او را جامع اضداد و فردی دمدمی مزاج، دهن بین، دلیر، پراستقامت، بی باک، خشن و خون ریز معرفی می کنند که با اندک جرمی، گناهکاران و مغضوبان را سخت عقوبت می کرد (یوسف جمالی، ۱۳۸۷).

خودباوری کاذب: با این اسطوره، شخص می تواند به یک خودباوری، چه صادق و چه کاذب رسد و از آنچه از او به صورت وراثتی و یا اکتسابی دریغ شده است، با آرمان گرایی دست یابد. پس از شکست خوردن اسطوره شکست ناپذیری شاه اسماعیل در جنگ چالدران در سال ۹۲۰ (ق.ه) و آسیب دیدن شخصیت الهی او نزد پیروانش از جمله قزلباش ها، علاقه شاه اسماعیل اول به نسخه نگاری در کارگاه های سلطنتی بیشتر شد، بدین ترتیب می توان گفت دوستی و معاشرت با هنرمندان، اشتغال به نقاشی و خطاطی و بررسی و تماشای آنان برای او نوعی فعالیت باهدف تسکین روانی در مقابل سختی ها و شکست های فعالیت های سیاسی او بود. شاه در نگاره ها قهرمان اصلی بوده و با شاهان و پادشاهان افسانه ای همچون کیکاووس، کیومرث و رستم متجلی می شد.

خروج از اعتدال: مطابق این اندیشه، آن ها از اعتدال خارج شده و به افراط یا تفریط روی می آورند. در فلسفه حروفیه اندیشه «خلق جدید» که به وسیله فیلسوفان و عالمان دینی همچون ابن عربی، عبدالرحمن جامی و دیگران گسترش یافته بود، با شدت بیشتری مطرح شد و گمان می رود که افراط در این تفکر به حروفی ها و (از جمله شاه اسماعیل ختایی) اجازه می داد به دنبال حلاج عبارت معروف «انا الحق»

صفوی نوعی فعالیت باهدف تسکین روانی در مقابل سختی ها و شکست های فعالیت های سیاسی بود.

- اسطوره سنجی

پس از انجام نمادسنجی و روان سنجی طبق فرایند اسطوره سنجی ژیلبر دوران، سومین مرحله شناسایی اسطوره شخصی مؤلف (در اینجا شاه اسماعیل) تا اسطوره جمعی است؛ یعنی تشخیص اسطوره ای کلان که تمامی عوامل و عناصر دو مرحله قبل را در خود جای داده باشد. در این مرحله لازم است همان گونه که به اسطوره شخصی دست یافتیم، از اسطوره شخصی به اسطوره فرا شخصی راه بریم که با جامعه رابطه متقابل دارد و توأمان آثار مؤلف، زندگی شخصی او و در مرتبه ای برتر زندگی اجتماعی او را در برمی گیرد. «اسطوره خودمرکزی»، (خودمحوری، خودهسته ای) و اسطوره «شهریار» از اسطوره های مشخص و بارز شاه اسماعیل است. انسان در هر سنی که باشد از خود جدا نیست و خودیت او را احاطه کرده است. خود بزرگ ترین نیروی روان است و روح و روان که بسان یک اقیانوس بیکران هستند، ممکن است انسان را گرفتار جنون عظمت طلبی و یا سایر تخیلات فریبنده کنند» (Jung, 1999). براساس این عقیده اسطوره ای، همه اقوام تلاش می کنند خود و داشته های خود را نخستین، بزرگ ترین، بالاترین و بهترین معرفی کنند و تمام داشته های دیگران را در رده های پایین تر از آن جای دهند. از عوامل بروز، اسطوره خودمرکزی باورهای دینی است و می توان گفت، اسطوره خودمرکزی در بین پیروان ادیان، قوی تر ظاهر می شود، به این صورت که اندیشه های دینی خود را برتر می دانند. در دوره صفویه، همه روابط اجتماعی، نظامی، اقتصادی و ... که در دوره های قبل کاملاً عرفی بود، در این دوره کاملاً رنگ دینی-عرفانی گرفت. شاه اسماعیل مذهب شیعه را در این دوره رسمی کرد. ریشه، خواستگاه و دعاوی مذهبی صفویه از متن یک جریان رو به تحول صوفیانه آغاز شد و رفته رفته با تعویض نقش و پایگاه های خویش به مثابه رهبران صوفی به فرماندهان جنگ جو و پس از آن به انسان های متمایل به کسب قدرت، از آن خواستگاه اولیه فاصله گرفتند (صفت گل، ۱۳۸۹).

از دیگر عوامل بروز اسطوره خودمرکزی خودآگاه و ناآگاه است. افراد و اقوامی با شناخت آگاهانه از توان و ظرفیت های خود، بنابر مقاصد خاصی مانند سلطه جویی بر دیگران و امثال آن و گروهی دیگر با ناآگاهی از قابلیت های خود و در اثر بعضی از ناهنجاری های شخصیتی و روانی به اسطوره خودمرکزی روی می آورند (محمودزهی، ۱۳۹۴، ۱۷۶). شاه اسماعیل که در دوران نوجوانی و جوانی علم نجوم را فرا گرفته بود، به روش های سحر و ساحری آشنا بود و می دانست چگونه و از چه راهی می توان مردم ساده را جذب کرده و بر قلوب آن ها مسلط شد لذا در اثر تبلیغ مشاوران مخصوص شاه اسماعیل در میان

باستان، شگرد خوبی برای اثبات توارث عرفانی صفویان بود است (همان).

واقعی‌پنداشتن چیزهای غیرواقعی: در اثر این اسطوره، دایره شناخت شخص به حدی کوچک می‌شود که شخص با آن پدیده اسطوره‌ای رابطه این‌همانی پیدا می‌کند و وجود خود را در آن متجلی می‌بیند (محمودزهی، ۱۳۹۴، ۱۷۷). شاه اسماعیل خود را از سادات و فرزندان اهل بیت رسول اکرم (ص) می‌دانست.

«من امروز به‌عنوان مالک این جهان به دنیا آمده‌ام، حقیقتاً بدان که من فرزند حیدر هستم».

نتیجه‌گیری

شاه اسماعیل اول صفوی دیوان اشعار خود را در اوایل دوران حکومتش سرود و علاقه به نگارگری و خطاطی در ده سال اواخر حکومتش بیشتر شد، چنانکه با دستور، کمال‌الدین بهزاد را به سرپرستی کتابخانه سلطنتی انتخاب کرد. برای نیل به اهداف پژوهش مبنی بر علت تغییر در عناصر تصویری معراج پیامبر به‌ویژه در چهره ایشان، علاوه بر بررسی نگاره‌های معراج در اوایل دوره صفوی به بررسی نگاره‌هایی با موضوعاتی چون شکار، نبرد و جلوس پرداخته شد (زیرا براساس روش اسطوره‌سنجی آثار مختلف یک مؤلف، شاه اسماعیل به‌عنوان حامی و سفارش‌دهنده این آثار، هماهنگی و انسجام ویژه‌ای دارد که اسطوره شخصی مؤلف را بازنمایی می‌کند) (جدول ۱). در این پژوهش پس از بررسی نگاره‌های معرفی شده براساس مراحل اسطوره‌سنجی می‌توان به نمادهای توصیفی همچون آتش، آسمان، براق، اسب‌سوار و وجود روزنه در آسمان اشاره کرد که همگی بیان‌کننده یک ارتباط بین آسمانی بودن و زمینی بودن را بیان می‌کند که احتمالاً می‌توان فرض کرد استعاره‌ای از شاه اسماعیل در مقام بزرگانی باشد که از آسمان به زمین فرود آمده است. همچنین از شخصیت‌های اسطوره‌ای پرتکرار در نگاره‌های بررسی شده شخصیت اسکندر-شاه اسماعیل، کیکاووس-اسماعیل، کیومرث-اسماعیل بودند، در مرحله دوم یعنی روان‌سنجی براساس دیوان شعر شاه اسماعیل و بررسی شرایط اجتماعی او به اسطوره شهریار و اسطوره خودمرکزی می‌توان اشاره کرد. شاه اسماعیل اول همانند قهرمانان افسانه‌ای همچون کیومرث، رستم، کیکاووس و اسکندر ظاهر می‌شود و تا جایی پیش می‌رود که براساس اسطوره خودمحوری، از اعتدال خارج شده، خود را جانشین خدا بر روی زمین می‌داند و نماینده امام غائب معرفی کرده است و در محافل با روبند ظاهر می‌شود که در تصاویر معراج پیامبر (ص) از این دوره، الگوی پیامبر-اسماعیل دیده می‌شود به‌صورتیکه پیامبر (ص) چهره خود را با حجاب برقع پوشانیده است و از روزنه‌ای در آسمان، از عالمی به عالم دیگر سفر کرده

را تکرار کند، زیرا از این منظر هر رویدادی، خصوصاً در پیوند با شاه که جانشین خدا بر زمین بود و قدرت مشارکت مستقیم در رویدادهای الهی را داشت، مهم می‌شود (Nazarli, 2012). سالاریت: اندیشه خودمرکزی می‌تواند منجر به رئیس‌سالاری شود. به گفته میشل پانوف و پرن (Panoff & Perrin, 2010) «رئیس‌سالاری مقامی است که آن مقام در اختیار فردی قرار می‌گیرد تا به‌طور مداوم اقتدار سیاسی را در گروه معینی اجرا کند. نیل به این مقام می‌تواند از طریق حق وراثت و یا از طریق انتخاب باشد. غالباً اقتدار از ویژگی مقدسی برخوردار است و حتی مصون از تعرض است که می‌تواند به دلیل شجره نیاکان و به‌قصد داشتن اجداد ملکوتی توجیه شود». به‌نظر می‌رسد عصمت شاه اسماعیل، به‌مثابه نماینده سلسله صفویه، چندان امیدبخش نبود و احتمالاً خود صفویان هم این را احساس کرده بودند که تمام تلاششان را برای اثبات شایستگی خود برای حکومت به‌کار بسته بودند. در نتیجه شجره‌نامه‌ای تهیه کرده بودند که ثابت می‌کرد نسب آن‌ها به امام هفتم شیعیان، حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌رسد.

قهرمان‌سازی: در آثار ایرانی می‌بینیم شاهی تا آن‌جا قهرمان می‌شود که خود می‌گوید چهر (نژاد) از یزدان دارد و یا شاه سایه خداست و یا «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه» در جای‌جای متون باستانی ایران دیده می‌شود که قهرمانان ایرانی (پیامبر، شاه، موبد، پهلوان و ...) از نعمت «فره ایرانی»^{۱۷} برخوردارند و مادامی که به وظایف واقعی خود پایبند باشند، این فره آن‌ها را شکست‌ناپذیر می‌سازد. در اساطیر ایرانی، شخص به کمک قهرمانش و قهرمانش در سایه فره‌اش بر اهریمن پیروز می‌شود. یونگ «قهرمان‌سازی» را در سایه اسطوره خودمرکزی یک اصل همگانی برمی‌شمارد (Jung, 1999). در تاریخ شاه اسماعیل صفوی نام شاه اسماعیل اول به‌صورت «سلطان لایق سلیمانی و دارنده طالع سعد» آمده است (Efendiev, 1981). شاه اسماعیل در ۲۵ رجب سال ۸۹۲ هجری به دنیا آمده است. به این معنا که او در برج اسد که الهه خورشید است پا به جهان گذاشته است. اسکندر نیز در همان صورت فلکی یا برج به دنیا آمده است^{۱۸} و با این حساب طالع آن دو باهم مرتبط بوده که باید خود شاه اسماعیل اول که آرزوی تقلید از سلف نجومی نامدار خود را داشت، از آن آگاه باشد (Nazarli, 2012). با کشف رابطه نجومی، نسبی و موقعیتی بین اسماعیل و اسکندر می‌توان تصور کرد شاه اسماعیل با تقلید از اسکندر و تمایلات جوانمردانه او به استقبال سختی و مشقت برود. شکل ظاهری شاه در نگاره‌های این دوره علاوه بر پیش‌نمونه اسکندر با دیگر قهرمان‌های بزرگ نیز مشاهده می‌شود، مانند کیکاووس، رستم و کیومرث. به‌نظر می‌رسد مصور کردن شاهان صفوی با الگوهای شاهان و قهرمانان افسانه‌ای ایران

جدول ۱. بررسی نمونه‌های تصویری اوایل قرن دهم هجری مکتب تبریز با مراحل اسطوره‌سنجی دوران. مأخذ: نگارنده.

مراحل اسطوره‌سنجی دوران

تصاویر مطالعه شده

اسطوره‌سنجی	روان‌سنجی	نمادشناسی	تصاویر مطالعه شده
<p>اسطوره خودمرکزی و اسطوره شهریار: - قهرمان‌سازی: تاجایی که می‌گوید مهر از یزدان دارد. - خروج از اعتدال - خودآگاه و ناآگاه: که از جمله مهم‌ترین نتایج آن جنبه قدسی و نماینده خدابودن بر روی زمین است. - سالاریت: که به تهیه شجره‌نامه‌ای منسوب به امام هفتم شیعیان منجر شد. - واقعی پنداشتن چیزهای غیرواقعی</p>	<p>شاه اسماعیل بر اساس نظریه نور محمدی مبنی بر حلول روح حضرت محمد (ص) در او می‌گویند: از نور محمد است که خود را به جهان نشان داده، تاج نور بر سر نهاده، نامش اسماعیل است. نخستین کسی که بر حیات بهشتی قدم نهاد من بودم.</p>	<p>نمادهای توصیفی این نگاره: ۱. آسمان ۲. آتش ۳. براق ۴. اسب‌سوار ۵. ابر ۶. وجود روزنه یا شکاف در آسمان</p>	 
<p>قهرمان‌سازی: که به تقلید از اسکندر، شاه اسماعیل به استقبال سختی و مشقت می‌رود.</p>	<p>شاه اسماعیل بارها در اشعارش به اسکندر اشاره کرده است. من خزر زنده و عیسی بن مریمم اسکندر زمانه مردان عالمم</p>	<p>از شخصیت‌های اسطوره‌های این نگاره‌ها شخصیت اسکندر در رابطه با شخصیت شاه اسماعیل. (مضامین پر تکرار در متون)</p>	
<p>پس از جنگ چالدران خودباوری کاذب و مقاومت در رابطه با اسطوره خودمرکزی، او خود را همچون کیکاووس و رستم متجلی می‌کند.</p>	<p>شاه اسماعیل بارها در اشعارش خود را رستم معرفی می‌کرد.</p>	<p>شخصیت اسماعیل کیکاووس</p>	
<p>اسطوره تحلیل‌گرایی: که خود را با کیومرث، اولین پادشاه افسانه‌ای ایران برابر می‌داند.</p>	<p>شاه اسماعیل بارها در اشعارش خود را کیومرث معرفی می‌کرد.</p>	<p>نمونه اسماعیل - کیومرث</p>	

و به زمین فرود آمده است. همچنین الگوی پیامبر - اسماعیل با نشان دادن پیامبر (ص) در مرکز کادر و در هاله‌ای از آبر و آتش به بهترین شکل نشان داده شده که به صورت الگویی تا سال‌های بعدی استفاده می‌شود.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارد که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. براساس فرمان شاه اسماعیل اول (۹۲۸ ه.ق) درباره انتصاب کمال‌الدین بهزاد به ریاست کتابخانه دربار، برنامه دولتی برای توسعه هنرهای تجسمی در دوره صفویه آغاز شد. برای اطلاع بیشتر ر.ک (نویسی، ۱۳۶۸).

Gilbert Durand.

mythocritique.

Psychocritique.

۵. در این پژوهش با توجه به فرضیه مطرح شده در چکیده، به این نکته تأکید می‌شود که نسخه‌های مصور و نگاره‌های معراج در کارگاه‌های سلطنتی صفویه بنابر عادت مرسوم با حکم سلطنتی به دستور سلاطین و حکمرانان ایجاد می‌شده بنابر این دور از ذهن نیست که بیشتر اسطوره‌های قابل توجه حاکمان و سلاطین از جمله شاه اسماعیل اول در نسخ مصور انعکاس داده شده باشد و از آنجایی که اکثر نگاره‌ها فاقد نام نگارگر است این فرضیه پررنگ‌تر می‌شود.

Le voyage et la chambre dans l'oeuvre de Xavier de Maistre.

۷. به احتمال زیاد این نگاره از روی نگاره معراج پیامبر در نسخه مصور مخزن الاسرار از خمسه نظامی (۹۰۰ ه.ق) محفوظ در موزه بریتانیا اقتباس گردیده با این تفاوت که در این نگاره، چهره پیامبر (ص) به صورت مردی جوان، دارای عمل‌های سفید و مرتب با گیسوان بافته و باریک مصور شده است.

۸. ایلیا بعد از ۱۵ سال نبوت، با الشیخ در راه صحبت کرد. ناگاه کالسکه آتشی پدیدار شد و ایلیا بر آن سوار شده و به بالا برده شد (Hawkes, 2016).

۹. نمونه واحد اسماعیل - اسکندر در نگاره‌های نسخه‌های مختلفی از این دوره به چشم می‌خورد، از جمله «تبر اسکندر با دارا» از خمسه نظامی، نسخه ۹۳۱ موزه متروپولیتن در نیویورک؛ «اسکندر و شبان» از خمسه نظامی آغاز قرن شانزدهم (موزه توپقایی در استانبول). «اسکندر مرغابی شکار می‌کند» از دیوان نویسی نسخه ۹۲۲ (کتابخانه ملی پاریس) و ...

۱۰. هم‌اکنون در آذربایجان عشایری معروف به ختایی سکونت دارند و ختایی یا چتایی از مغولان و ترک‌نمانان مغول تبار بودند. بعضی از تذکره‌نویسان نیز اشاره می‌کنند که شاه اسماعیل در سرودن اشعار فارسی و ترکی «خطایی» تخلص می‌کرده (آذربیکدلی، ۱۳۳۶).

۱۱. برخلاف نظر صاحب‌نظرانی همچون پرفسور مینورسکی، آراسلی، ابراهیموف و استاد ذبیح‌الله صفا مبنی بر طبع شعری بسیار روان نزد شاه اسماعیل اول، دکتر منصور در کتاب «رازهایی از دل تاریخ»، با استناد به تکبیتی از دیوان ختایی عنوان می‌کند، دیوان مذکور بعد از مرگ شاه اسماعیل اول، توسط عثمانی و سیاست‌های ضد قزلباشی آن‌ها تنظیم شده است (منصوری، ۱۳۹۷).

۱۲. شاه اسماعیل پس از به حکومت رسیدن به این فکر افتاد که به جای سروکار با انبوه مردم، با خواص و دربار، نماینده برگزیده اشراف، سران طوایف قزلباش و نمایندگان عالی‌رتبه دیوان سالاری ایران رابطه داشته باشد. نگارگری نسخ به‌مثابه هنری کاملاً خصوصی به نیازهای جدید بهترین پاسخ را می‌داد (Nazarli, 2012).

۱۳. اشعار شاه اسماعیل اول را ده‌هزار بیت تخمین زده‌اند که غالباً در مثنوی‌هایی چون: دننامه، نصیحت‌نامه، مناقب الانسار، بهجت‌الاحرار و دیوان رباعی و غزلیات بیان شده است.

۱۴. اشعار شاه اسماعیل اول، ولادیمیر مینورسکی، در مجله شرقی و آفریقایی لندن.

۱۵. تاریخ‌نویسانی همچون قاضی احمد غفاری و شاه غیاث‌الدین در «هفت‌اقلیم» (Beg Turkaman, 2015).

۱۶. اکثر مورخان عصر شاه اسماعیل اول می‌نویسند اعتقاد مردم راجع به شاه گذشته از نیابت ائمه اطهار علیه‌السلام، اعتقادی باور نکردنی بود، چه مردم او را «ظلال‌الله» و حتی «الله» روی زمین می‌دانند (فلسفی، ۱۳۵۳).

۱۷. فرقه مفهوم عرفانی ایران باستان، اشتراک زیادی با مفهوم امامت شیعه داشت و بار تولد (Bartold, 1966) به این مسئله توجه کرد و اعتقاد داشت گسترش تشیع در ایران نتیجه «بازبینی» بسیاری از مؤلفه‌های الهیات تشیع با مؤلفه‌های حکومت‌آزادی در ایران باستان است و صفویان نیز از این طریق برای تحکیم حکومت خود استفاده کردند. برای داشتن فر، لازم بود اولاً پادشاه نسبت خود را به پادشاهان بزرگ ایران باستان برسانند و به خاندان سلطنت تعلق داشته باشد، ثانیاً داشتن چند نشانه تقدیر، وجود چند صفت (مثل مناسب بودن طالع، قیافه، خردمندی و ...) و مناسب بودن رفتار ضروری بود. بدیهی است که صفویان نسب خود را به ساسانیان می‌رسانند (Nazarli, 2012).

۱۸. چون در تعداد زیادی از تاریخ‌نگاری‌های اسلامی شواهد متفاوتی درباره تولد اسکندر آورده می‌شده، احتمالاً منجمان این آزادی را داشته‌اند که تاریخی را انتخاب کنند تا به راحتی بیشتر به طالع‌بینی خود بپردازند. خواندمیر (۱۳۸۰) به هنگام نوشتن تولد اسماعیل چند بار به شباهت اسماعیل و اسکندر اشاره می‌کند و تأکید می‌کند اسماعیل مانند اسکندر، باید مرزهای امپراتوری خود را گسترش دهد. در مورد این پژوهش به تفصیل در اسکندرنامه نظامی آمده است.

فهرست منابع

- آذربیکدلی، لطفی بیک. (۱۳۳۶). آتشکده آذر. امیر کبیر.
- جوانی، اصغر. (۱۳۹۶). سیر تحول معراج‌نگاری حضرت محمد (ص) (از عصر ایلیخانی تا عصر صفویه). دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. خیام.
- شین‌دشتگل، هلنا. (۱۳۸۹). معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد (ص) سده‌های ۸-۱۴ ه.ق. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).
- صفت‌گل، منصور. (۱۳۸۹). ساختار نهاد و اندیشه‌های دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری). رسا.
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۵۳). زندگانی شاه‌عباس اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودزهی، موسی. (۱۳۹۴). اسطوره خودم‌رکزی (با تأکید بر نمونه‌های آن در اساطیر و ادبیات ایران). زبان و ادب فارسی، ۶۸(۲۳۲)، ۱۶۹-۱۸۵. https://perlit.tabrizu.ac.ir/article_4816.html
- مضطر، الله‌وتا (مصحح). (۱۳۶۴). جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل). مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- منصور، فیروز. (۱۳۹۷). رازهایی از دل تاریخ. سمرقند.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۲). درآمدی بر اسطوره‌شناسی: نظریه‌ها و کاربردها. سخن.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۰). شرفنامه نظامی گنجوی (متن علمی و انتقادی) از روی قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی قرن هشتم با ذکر اختلاف نسخ. دانشگاه تهران.
- نویسی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). شاه اسماعیل صفوی، اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی. ارغوان.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. سروش.
- یوسف جمالی، محمدکریم. (۱۳۷۲). تشکیل دولت صفوی (و تعمیم مذهب تشیع اثناعشری در ایران). امیر کبیر.
- یوسف جمالی، محمدکریم. (۱۳۸۷). حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شاه اسماعیل اول ۹۴۰-۱۹۲ ه.ق: با نگرش بر خصوصیات جسمی، روحی، ذوقی، اخلاقی، مذهبی و روابط او با دول خارجی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.

- Bartold, V. V. (1966). Teokraticeskaya ideya i svetskaya vlast' v musul'manskom gosudarstve. *Bartold VV Sochineniya*, 303-319.
- Beg Turkaman, I. (2015). *Tarikh-e Alam-ara-ye Abbasi* (I. Afshar, Ed.). Amir Kabir.
- Chevalier, J., & Graber, A. (1999). *Dictionnaire ds symboles: mythes, rêves* (S., Fazaeli, Trans.). Jeyhun Publishing. (Original work Published 1982)
- Durand, G. (1963). *Les structures anthropologiques de l'imaginaire: introduction à l'archétypologie générale*. Presses Universitaires de France.
- Durand, G. (1979). *Figures mythiques et visages de l'œuvre: de la mythocritique à la mythanalyse*. Berg international.
- Efendiev, O. A. (1981). *Azarbayjanskoe Gosudarstovo Sefevidov v XVI veke*. Baku.
- Hawkes, J. W. (2016). *Persian Bible Dictionary*. Asatir.
- Hoseini, M. & Nouri, M. (2018). Mythocritique Survey in Five Plays by Naghmeh Samini based on Gilbert Doran's Technique. *Journal of Woman in Culture and Arts*, 10(3), 381-398. <https://doi.org/10.22059/jwica.2018.252762.1036>
- Jung, C. G. (1999). *Man and his symbols* (M. Soltanieh, Trans.). Namad. (Original work published 1997)
- Kuli-Zade, Z. (1970). *Hurufizm i Ego Predstaviteli v Azerbayjane*. Baku.
- Minorsky, V. (1942). The Poetry of Shāh Ismā'il I. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 10(4), 1006-1053. <http://www.jstor.org/stable/609140>
- Nazarli, M. D. (2012). *Dva mira vostochnoi miniatiury : problemy pragmaticheskoi interpretatsii sefevidskoi* (A.A. Ezzati, Trans.). Iran Ketab Publishing. [in persian] (Original work Published 2006)
- Panoff, M., & Perrin, M. (2010). *dictionnaire de lethnologie* (A. Asgari Khaneghah, Trans.). Samat. (Original work published 1991)
- Rahmani, N. & Shabani Khatib, S. A. (2016). To Study the Place of Imagination and Myth in Coffee House Painting (Gillbert Durand Method). *Bagh-e Nazar*, 13(42), 19-32. https://www.bagh-sj.com/article_39599.html
- Romulo, H. (1970). *Good histories* (A. N. Nawai, Trans.). Asatir.
- Savory, R. M. (1961). The principal offices of the Şafawid state during the reign of Tahmāsp I (930-84/1524-76). *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 24(1), 65-85. <https://doi.org/10.1017/S0041977X00140406>
- Schimmel, A. (1974). The ornament of the saints: the religious situation in Iran in pre-Safavid times. *Iranian Studies*, 7(1-2), 88-111. <https://doi.org/10.1080/00210867408701458>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
وکیلی، ندا. (۱۴۰۳). بررسی علل دگرگونی در عناصر معراج‌نگاری اوایل قرن دهم هجری از منظر اسطوره‌سنجی. باغ نظر، ۱۶-۵، (۱۴۰)۲۱



DOI: 10.22034/BAGH.2024.472653.5654
URL: https://www.bagh-sj.com/article_210987.html